

زنانی از جنس متفاوت

اعظم رفیعی

خبرنگار

در گذر سالیان، قاب تلویزیون ایران آینه‌ای بود که چهره زن را در قالب‌هایی از پیش تعریف شده به تصویر می‌کشید؛ چهره‌هایی که اغلب در نقش مادران فداکار، همسران صبور یا دختران خاموش، در حاشیه داستان‌ها می‌زیستند اما امروز نسیمی از تغییر وزیدن گرفته؛ نسیمی که روایت زن را از حاشیه به متن آورده و شخصیت‌هایی با هویت مستقل، اندیشه‌ورز و اثرگذار را به تصویر کشیده است.

زن در سریال‌های امروز دیگر صرفاً نقش مکمل مردان نیست بلکه در مرکز روایت می‌ایستد؛ می‌پرسد، می‌جنگد، می‌اندیشد و تصمیم می‌گیرد. او معلمی است در کلاس پرچالش، پزشکی است در میدان زندگی، روزنامه‌نگاری است پرسشگر و پلیسی است پرتلاش در مسیر عدالت. این زنان فراتر از نقش‌های قالبی، با لایه‌هایی از احساس، خرد، تردید و شهامت، واقعیت زن ایرانی را منعکس می‌کنند؛ چهره‌ای که هم آشناست و هم جدید.

این تحول تنها در تنوع مشاغل یا جایگاه‌های اجتماعی نمود نمی‌یابد بلکه در عمق شخصیت‌پردازی و نگاه انسانی به زن معنا پیدا می‌کند. زن دیگر یک نماد نیست بلکه یک انسان است؛ با رويا، با ضعف، با قدرت، با تضادهای درونی و ظرفیت‌های نهفته.

تلویزیون، به عنوان رسانه‌ای ملی و اثرگذار، در آستانه خلق روایتی نو از زن ایرانی ایستاده است؛ روایتی که هم‌ریشه در واقعیت دارد و هم افقی روشن برای آینده ترسیم می‌کند.

در سال‌های اخیر، فیلمنامه‌نویسان و سازندگان آثار نمایشی به سمت ساخت سریال‌های تلویزیونی رفته‌اند که نقش زنان در آنها پررنگ است. کافی است نگاهی اجمالی به نقش زنان در مجموعه‌هایی که در سال‌های اخیر پخش شده داشته باشیم. زنان در این آثار هرکدام ویژگی‌های متمایزی دارند که باعث شده مورد توجه مخاطبان قرار بگیرند. حتی مخاطبان، زنان را در مشاغل می‌بینند که در آثار نمایشی گذشته یا ندیده یا کمتر دیده بودند. نگارش چنین نقش‌هایی برای زنان باعث شده هنرمندان هم جای کار بیشتری داشته باشند و بتوانند بخشی از توانمندی‌هایشان را به منصه‌ظهور بگذارند. مسلماً اگر این مسیر با درایت و تعهد ادامه یابد، بی‌تردید شاهد اتفاقات خوبی در سریال‌های تلویزیونی خواهیم بود.

فقهی زن ایرانی در قاب سیما

زنان

ن این‌که زنان نیمی از جمعیت تولیدات تلویزیونی را تشکیل پرداختن به شخصیت‌های داده‌تازه‌ای از روایت راپیش‌روی

مخاطب قرار دهد. او درباره ظرفیت‌های شخصیت‌پردازی نیز گفت: هر شخصیت، چه زن و چه مرد، مجموعه‌ای از نقاط ضعف و قوت است و زمانی می‌تواند به دل مخاطب بنشیند که به دور از قطب‌بندی مطلق، به عنوان یک انسان چندوجهی تصویر شود.

نساج، نقش نویسندگان را در این زمینه کلیدی دانست و اضافه کرد: نویسندگان در چارچوب ضوابط و سلیقه مخاطب می‌توانند

با خلاقیت بیشتر، بستر مناسبی برای شکل‌گیری شخصیت‌های زنانه‌ای فراهم کنند که در عین هماهنگی با ساختار قصه، عمق و هویت مستقل خود را نیز حفظ کرده باشند. او در پایان اظهار داشت: آنچه که برای یک بازیگر زن اهمیت دارد، فراهم آمدن بستری برای خلق نقش‌هایی است که دغدغه‌ها، خواسته‌ها و جهان ذهنی بخشی از جامعه را به شکلی واقع‌گرایانه و هنرمندانه منعکس کند.



نغمه‌هایی تازه در بازنمایی زنان

نویسنده یا کارگردان باشد طبیعتاً شناخت نزدیک‌تری از جزئیات زندگی و احساسات زنانه دارد. همین می‌تواند باعث شود روایت باورپذیرتر و ملموس‌تر باشد. بهارمست در بخش دیگری از گفت‌وگو به تجربه خود در فصل چهارم سریال «از سرنوشت» اشاره کرد و گفت: کاراکتر نغمه در این فصل، روند رشد مستقلی داشت. از موقعیتی شخصی عبور کرد، شغل خودش را پیدا کرد و در آن موفق شد. این نقش نماینده بخشی از زنان امروز است که برای ساختن مسیر زندگی‌شان تلاش می‌کنند.

وی با تأکید بر اهمیت الگوهای تصویری برای نسل جوان بیان کرد: در بازخوردهایی که از مخاطبان نوجوان دریافت کردم، دیدم که بسیاری از آنها با دیدن این شخصیت‌ها به فکر ساختن آینده افتاده‌اند؛ چه در زمینه تحصیل و چه در مسیر شغلی. همین نشان می‌دهد که نمایش تلاش و پویایی شخصیت‌ها می‌تواند الهام‌بخش باشد.

بهارمست در پایان گفت: امروزه زنان در جایگاه‌های مختلفی در جامعه حضور دارند؛ از مدیریت و آموزش گرفته تا فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی. آثار نمایشی هم می‌توانند با به تصویر کشیدن این واقعیت‌ها به غنای فرهنگی جامعه کمک کنند.

فاطمه بهارمست، بازیگر تلویزیون در گفت‌وگو با قاب کوچک، ضمن مرور



تجربه‌های کاری‌اش در سال‌های اخیر به موضوع جایگاه شخصیت‌های زن در روایت‌های نمایشی پرداخت و گفت: در بیشتر کارهایی که حضور داشتم معمولاً در کنار یک کاراکتر مرد ایفای نقش می‌کردم. به‌نظرم در سال‌های اخیر این امکان وجود دارد که شخصیت‌های زن در داستان‌ها حضور پررنگ‌تری داشته باشند؛ به‌ویژه اگر نگاه نویسنده‌ها و کارگردان‌ها به این سمت معطوف شود.

بهارمست با اشاره به این‌که قصه سریال‌ها ظرفیت پذیرش قهرمان زن را دارند، گفت: زن‌ها هم می‌توانند قهرمان داستان باشند؛ قهرمانی که نقاط قوت و ضعف خود را دارد و در دل جامعه امروز زندگی می‌کند. فضای فرهنگی ما آماده پذیرش چنین شخصیت‌هایی است. فقط کافی است آنها را باور کنیم و اجازه دهیم در روایت‌ها بدرخشند.

وی درباره تأثیر حضور زنان در بخش‌های تولیدی آثار نمایشی نیز گفت: وقتی خانمی

پول در روایت رسانه‌ای

مؤثر دانست و ادامه داد: زن امروز سریال‌ها آینه‌ای است از زن جامعه متفکر، کنشگر و اثرگذار. چنین رویکردی، گامی مؤثر در بازآفرینی فرهنگ رسانه‌ای است.

وی همچنین به نقش پررنگ زنان در فرآیند تولید سریال‌ها اشاره کرد: حضور زنان در جایگاه‌های کلیدی همچون نویسندگی، کارگردانی، تهیه‌کنندگی و بازیگری، نقشی بنیادین در پوست‌اندازی تصویر زن در سریال‌های ایرانی داشته. هنگامی که روایت از دل تجربه زنانه جوش می‌زند، شخصیت‌ها به کاراکترهایی باورپذیر برای مخاطب تبدیل می‌شوند، نه سایه‌هایی محو و مصنوعی.

او با اشاره به تجربه‌های شخصی‌اش در عرصه بازیگری افزود: در تمام آثار نمایشی که بازی کرده‌ام، تلاشم این بوده که زن را نه به عنوان یک تیپ تکراری بلکه به عنوان فردی با هویتی منحصر به فرد و جهان درونی خاص به تصویر بکشم. برایم مهم بوده که زن فقط درگیر عشق یا غم نباشد بلکه کنشگر و اندیشمند ظاهر شود.

مرادی در پایان گفت: باور دارم هر نقش فرصتی است برای بازتعریف زن در ذهن مخاطب. اگر این تصویر واقعی، عمیق و انسانی باشد می‌تواند نگاه جامعه را نیز تغییر دهد.

مرادی، بازیگر تلویزیون در قاب کوچک با تغییر جایگاه سریال‌های اظاهر کرد: ال‌های ایرانی مخاطب را به ای فرهنگی علاوه بر ایفای یش، پایداری ز مرز سرگرمی بدل می‌شود. معیاری برای و افزود: وقتی در سریال‌ها بی‌باشد. در سریال‌های نه‌ای توصیف یعنی عبور از صیت‌هایی با پیچیده‌تر. او رتقای تصویر بلکه افق نگاه نگ رسانه‌ای